

پدر

زهره محبت

یادمان زنده یاد

حاج فضل اله حاتم جهرمی

با مقدمه دانشمند و شاعر گرانقدر آقای سید ابوالحسن علی حسینی

تالیف: زهره حاتم جهرمی

سرشناسه	: حاتم جهرمی، زهره، ۱۳۴۶-
عنوان و نام پدیدآور	: پدر گوهر محبت: یادمان زنده‌یاد حاج فضل‌اله حاتم جهرمی / تألیف زهره حاتم جهرمی.
مشخصات نشر	: جهرم: نشر مصلی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: د، [۱۵۷] ص: مصور (بخشی رنگی)؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-5375-96-1
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۱۵۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: اخلاق اسلامی
موضوع	: Islamic ethics
موضوع	: بیت اخلاقی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Moral education -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: بیت انواری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Domestic education -- Religious aspects -- Islam
رده‌بندی کنگره	: ۷/ABP، چاپ ۴
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷۷۲۵۱۳

پدر گوهر محبت

زهره حاتم جهرمی

ناشر: مصلی

نوبت چاپ: اول / خرداد ۹۶ - ویرایش اول

قیمت: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

بسم الله الرحمن الرحيم

عارفانه‌ترین و عاشقانه‌ترین سپاس و ستایش شایسته ذات بی‌چون‌ازلی است که جسم پاک آدمیان را به نور و فطرت خویش مزین و صفا بخشید و بشر را به زیور احسن التقویم، به جمال ملکوتی مشرف فرمود و ما را به شناخت و معرفت خویش قابلیت بخشید و عشق را بن‌مایه حضور و شهود و وسیله خلیقه الهی خویش قرار داد، بشر قاصر است که در وادی حمد و سپاس کم‌ترین گامی بردارد، که شایسته ذات قدوسی وی است.

دروود و تحیات و ثنای الهی به روان پیامبران عظیم الشان حضرتش، خصوصاً به محضر حاتم النبیین، پیشگاه ائمه معصومین (ع) باری:

رفتسیم و بقیه را بسا یاد لابد برود هر آنکه اوزاد ای عزیز، بدان که دنیا حسن است، عقی نقیس؛ دریاب که دلت کدام را می‌طلبد.

من ندانم که نگاه تو چه رازی است نهان، که من آن راز تو، دیدن و گفتن نتوان و چه زیبا منظری دارد، کسی کز حق‌انسان دارد، چه زیبا عالمی دارد، کسی کز او امان دارد چون کلمه لا اله الا الله حصنی (قلب محکم) یعنی کلمه لا اله الا الله، قلعه‌ای محکم است.

آری، مردی با سرافرازی و تلاش و همت و سخاوت، ایمان و حسن و دلدادگی، عمری در بوته‌ی امتحان خوش سپری کرد و قالب را تهی نمود و به من معبود ازلی خویش شتافت جرس فریاد می‌دارد که بر بندید محمل‌ها خوشا آنان که آینه‌ها را بر عرصه گیتی گذارند و مستانه پای در عرصه‌ی جاودانگی گشودند که ارجعی از ربک راضیه، مرضیه، و عمر را با صداقت، بخشنده‌گی، ایثار، مهربانی، همت و غیرت، مسئولیت، تربیت و ارشاد خانواده به خوبی بر دوش کشیدند و حتی مردمی چند از مزایای فطرت پاک و رفتار خدا پسندانه و پند و اندرز ایشان فیض گرفتند و حاصل آن همه

کمال و معرفت و زحمت فرزندان پاک، با ایمان و متعهدی است که خدمت‌گزاران صدیق و ارزشمند، جامعه می‌باشند.

خصوصاً صبیبه‌ی محترم ایشان یکی از فرهنگیان پر تلاش و صدیق و فرهیخته می‌باشد که قلم همتش دامنه گسترده وظیفه شریف معرفی پدرشان، این مرد وارسته، پاک روان (آقای حاج فضل اله حاتم جهرمی) را به سبزه‌زار بهار زندگی به تصویر بلاغت کشیدند و رسم و آیین و اندیشه‌ی نویی را در این باب بنیان گذاردند، گرچه متأسفانه، آنچنان که باید حقیر را فرصتی حاصل نگردید که از محضر فیض بخش آن بزرگوار بهره‌رگیرم و پس از زیارت آن مرحوم کوتاه مدتی نشد که ایشان ندای ارجعی را لبیک گفتند و این جهان فنا را ترک نمودند (خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود) ربی عطر کلام و بلاغت و صلابت و ابعاد سخنان ایشان در جان و دل حقیر سال‌ها پر صنین عواهد مان، به قول حافظ: «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق».

چه عشقی! روح مناجاتی، خوش با خدای خلوتی داشت و ایشان که به شغل شریف کشاورزی و تولید بکدامین برق جبین با سربلندی عمر شریف را گذرانید و در خلوت و جلوت خود را همیشه در محضر حضرت باری تعالی مشاهده می‌نمود و لحظه‌ای از یاد حق و عبادت عارفانه غافل نماند، تمام دلخوشی او خدمت و عبادت در راه معبود یکتاپس بود، عزمی راسخ چون سراسرافراز از فضائل و فضائل درخشان اخلاقی و معنوی داشت، آنچه که حقیر به عرض می‌رساند، مشتی از خروار سجایای آن مرد بزرگ است و خوشبختانه صبیبه محترم ایشان همکار ارجمند فرهنگی متعهد، خانم زهره حاتم جهرمی به حق، حق مطلب به جا آورد و دین فرزندی خود را ادا نموده است. آن مرحوم سال‌ها در امور کشاورزی کوشید و نخل‌های بخشنده چون خویش و مرکبات به بهره‌برداری رسانید، جا دارد که به منظر داشت در این یادنامه شریف عرض کنم که نخل درختی است که همچون حیوانات اگر مرش را قطع نمایند می‌میرد و گیاه، پر بارتر و قوی‌تر خواهد شد. به همین دلیل همشهریان شریف و ارجمند جهرمی نخل را تَرُک (TARAUK) می‌گویند که این کلمه از لغت تارک به معنی سر، فرق، میان سر و کلاه‌خود گفته‌اند^۱ که با تعبیراتی عوامانه آن را تَرُک

^۱ فرهنگ عمید

همان سر نامیده‌اند و حتی هنوز هم متداول است که نخل را مخ می‌گویند و نخل را صفت بخشندگی است و سرو آزاده، جا دارد که از شوق و عشقی که در نهاد این مرد بزرگوار نسبت به خاندان رسالت ریشه دارد و عرض کنم و از شور و حال و ارادت خاصی که به ساحت مقدس سید الشهداء، ابی عبدالله الحسین (ع) داشته عرض کنم که شب و روز و هنگام کار دائماً با آن حضرت به نجوا و نوحه‌سرایی مشغول و چنان زار، زار به شوق و عشق آن یگانه شهید عشق می‌نالید که از خود بی‌خود می‌شد. دستگیری، مردم داری، یاری، دلسوزی، سرلوحه کار و اندیشه‌ی تابناک این گرمی پدر رد، انشان شاد.

این گونه حرکت‌های فرهنگی به نظر این حقیر می‌بایست در جهان امروزی و در فرهنگ کشور اسلام ما سرلوحه کار فرزندان باشد تا نقش زیبایی و ایمان و خوبی و مهر پروری و جوانان را جامعه به زیور تصویر، زنده بدارند، باشد که این عبرت آموزی و سازندگی معنوی بر او و خاطر همگان خصوصاً جوانان را به نور ایمان و کردار نیک و خدا پسندانه برافروزد.

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس تو پیش فرست
ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر بر این چند روزه دریابی
درود فراوان به روان تمام مردان و زنان شریف و مقدس که در این شهرستان یادشان همیشه چون آینه تجلی عشق و مایه بالندگی است بر زمین است که در این مختصر مجال امکان ذکر نام شریف‌شان به شرف توفیق حاصل نگردید.

با احترام
بی‌مقدار
حبیب اله عمادی

وَأَدْخِلِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.

و آنان که به خدا ایمان آورده و عمل صالح کردند در بهشت‌هایی برند که از زیر درختانش نهرها جاری‌ست و همیشه به فرمان خدا با تحیت و سلام و احترام در آن بهشت جاودانند. ای رسول ما نداستی! که چگونه خدا کلمه پاکیزه و روح پاک را به درخت زیبایی مثل زده که اصل ساقه‌ی آن برقرار باشد؟ و شاخه‌ای به آسمان رفعت و سعادت بر شود و آن درخت زیبا، به اذن خدا همه اوقات میوه‌های خوردنی و خوش دهد؛ مثل حل پاک، دانش و معرفت و افکار و کردار نیکو در منفعت دائم برای خود و دیگران بدل از رحمت ربایی بر ثمر ماند و خدا اینگونه مثل‌های واضح برای تذکر مردم می‌آورد.

آری همه انسان‌ها می‌توانند از طبق اطاعت از فرمان حق و دنباله روی از پیامبران از صالحان و نیکوکاران باشند و به بهشت وارد شوند، و به جایی رسند که:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند. بنگر تا چه حد است مقام آدمیت پس راه و روش انبیاء ائمه و دیگر بندگان متقی و صالح چون لقمان، آسیه، هارون و مریم، که قرآن کریم برایمان بیان می‌کند نقش مؤثری در تربیت و بخشیدن مسیر تعلیم و تربیت و پیشرفت و موفقیت و رسیدن به سعادت و کمال انسان و بهشت برین دارد و یاد و آشنایی با بندگان صالح و ارزشمند خدا مانند یار و رفیق در پیمودن صراط مستقیم می‌باشد از این جهت ما نیز وظیفه داریم، اندیشه و گفتار و رفتار نیک، یاد، خاطره، آثار خیر، اندرزها و فضائل و صفات برجسته بندگان متقی و صالح خداوند را زنده نگه داریم تا برای امروز درس و برای روزی که به آنان می‌پیوندیم ذخیره باشد «ان شاء الله».

یاد خوبان خود گواه خوبی است موجب تهذیب و باطن رویی است
 زندگی مردان خدا سرشار از آثار و برکات الهی است و تجارب آن‌ها سرچشمه معرفت
 شناسی است آن‌ها رفتار و گفتار و کردارشان برای دیگران درس زندگی است. علاوه
 بر این آنچه به من انگیزه تهیه و تنظیم این نوشتار داد پیشنهاد اساتید محترم و
 دوستانی بود که با پدر، آشنایی نزدیک داشتند.

نام یک رفتگان ضایع مکن تا بماند نام نیکت برقرار
 در این کتاب درس‌های تربیتی و اخلاقی، اندرزها، رهنمودها و حکایاتی که پدر برای ما
 نقل می‌کرد و تعدادی از آن‌ها در فصول مختلف آورده‌ام بیشتر بر اساس آیات قرآنی و
 احادیث و داستان‌های تاریخی و ادبی می‌باشد که ایشان از بزرگان و علمای جهنم و
 پای منبر دانشمندان برجسته آموخته بودند. این شاء الله که مورد استفاده قرار گیرد و
 موجب ثواب و شادی و شازندگی باشد.

ز مشرق تا به مغرب گرامیست علی و آل او ما را تمام است
 حمد بی حد و خدای پاک را آنکه ایمان داشتی مشتی خاک را
 آنچه مهم است، جدیت این پدر عزیز در تربیت و درس‌های زندگی که ما از او
 آموختیم، راه مستقیم و راه خدا و پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) بر اساس تربیت
 عملی و کار و تلاش و سختی‌ها و رنج و محنت‌ها، سخاوت و نازکی بود که در عمل و
 رفتار خود در تاریخ عمر با عزت خود به ما نشان داد که به حق باستانی روشن دل و
 متدین بود که زندگی نامه مردان بزرگ حکمت است و اثرات تربیتی فراوانی برای ما و
 فرزندانمان حتی در سنین بالا دارد. به قول خودش «خوش بود که من یک تجربه آید
 به میان»

همه خاک دارید بالین و خشت خنک آنکه جز تخم نیکی نکشت
 روزی یک یهودی از علی (ع) می‌پرسد: «شما می‌گویید ما به راه راست هستیم و دین
 روشن داریم و می‌گویید اهدینا الصرا المستقیم، اگر شک دارید؟ پس چرا آنچه دارید،

می‌خواهید؟» امام (ع) گفت: «قومی از پیامبران و دوستان خدا، پیش از ما به بهشت رفتند و به سعادت ابدی رسیدند ما از خدا می‌خواهیم تا آن راه که برایشان نمودند به ما نماید و آن اطاعت که ایشان بر آن داشت تا به بهشت رسیدند، را بر آن دارد تا ما نیز برایشان رسیم و به بهشت شویم»، آن مرد یهودی بعد از شنیدن این سخن مسلمان شد.^۱

نصیحت‌های پدر دانا و مهربان، در فراز و نشیب‌های زندگی بهترین دستگیر، چراغ راه و یاری بود که مانع بیمودن راه خطا می‌شد گفته‌های زرین او گاهی از لقمان بود و گاهی مولایش علی (ع) و مانند یک مربی و راهنمای خوب هم راه راست و کمال را به ما معرفی می‌کرد و هم از چاه و خطرات راه ما را پرهیز می‌داد لذا برخی از پند و اندرزهای حکیمانه او در این دفتر در قالب الگوها و فضائل برجسته، که در شخصیت عالی قدر او مایان است، و ما را به آن هدایت می‌کرد در یک فصل و نیز مهم‌ترین هشداری که ما را از سرهای ناسالم پرهیز می‌داد در فصل دیگر آورده‌ام و به دلیل اینکه بارزترین ویژگی بارش تلاش و زحمت شبانه‌روزی، عجیب و طاقت‌فرسای و جدیت او جهت کسب رزق حلال و کمک به بندگان خدا بود در فصلی جدا ذکر کرده‌ام و در فصل پنجم یادی از سفرهای زیارتی او داشته، و به دلیل اینکه پدر، از طریق دعا و نیایش به کوی دوست راه می‌رفت، بود و اثرات گفتگو با خدا در تربیت و پرورش انسان، به زیباترین مناجات خالصانه‌اش که با نظم عارفان بزرگ و زبانی که از قلب بی‌آلایش و عاشق بر می‌آمد روایتی داشته، در آخر از دنیای فانی و حکایت تلخ وداع، و در ادای وظائفی که ما در قبال عزیزان سفر کرده‌ایم نکاتی یادآور شدم.

به امید آنکه آموزه‌های تربیتی و اخلاقی این نوشته، مورد استعفاء قرار گیرد و موجب ثواب و شادی روح پدر عزیز، باشد. و ما نیز بتوانیم راه حق، پیایر (ص) و ائمه معصومین (ع) که پدر مهربان به ما نشان داد بییماییم و فرزندانمان نیز به این راه هدایت کنیم زیرا از بهترین و پسندیده‌ترین روش‌های زندگی انسان است و تنها این راه است که کمال و بهشت را نصیب آنان خواهد کرد. و در دنیای پر زرق و برق و

^۱ - روایات گهربار، دکتر ثروتیان

هزار رنگ امروز مطمئن‌ترین شیوه‌های تربیتی؛ تربیت قرآنی است، چیزی که پدر مهربان و دلسوز، با وجود آن، لبخند بر لبانش حاکم می‌شد و همیشه مشتاق عظمت یافتن قرآن و اهل بیت بود و فرزندانش را به این مسیر هدایت می‌کرد. الحق که حق پدریش را به فرزندانش کمال و تمام به جای آورد و به پاس آن همه بزرگی و زحمات بی‌نظیر وظیفه این روایت هرچند مختصر و نارسا دارم.

مسلمانان سخن گفتن در باب شخصیت برجسته و بی‌نظیر پدر، که ان شاء الله شامل لطف و رحمت واسع خداوند قرار گیرد و شخصیتی از عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت بضاعت اندک بنده و با قلم ناتوان و زبان الکنم دشوار است. بازگو کردن ابعاد وسیع روحی و معنوی چنین گوهر عزیزی، مثنوی‌ها کاغذ می‌خواهد و بنده‌ای حقیر خود را از هر بهت کوچک‌تر از آن می‌دانم که در مورد انسانی با تقوا، پاک نهاد، عارف، حق باور سخن بگویم چرا که زبانی خواهم به پهنای فلک تا بگویم شرح آن رشک ملک.

هرچند که نمی‌توانم تمام خوبی‌ها و ضایل ارزشمند این مرد خدا را در چند صفحه بنویسم، اما امیدوارم که با لطف و توفیق الهی بتوانم گوشه‌ای از شخصیت پدر خوب و عزیز را ترسیم کنم تا شاید کمی از حق برائی را که به گردنم دارد با بیان و اشاره‌ای از شیوه‌های عملی و تربیتی قرآنی و مذهبی به فرزندان عزیز، ادا کنم زیرا بیش‌ترین دغدغه او تربیت صحیح دینی و معنوی بچه‌ها بود. اما بدانید که این نکته‌ها و اشاره‌ها، درسی برای فرزندان ما باشد که در زندگیشان استفاده کنند. هر راهی قدم بگذارند که قبلاً هموار شده و از راه‌های پر پیچ و خم و بیراهه‌های زندگی پرهیز کنند. و بتوانند به خلق خدا خدمت کنند و رضایت پروردگار را به دست آورند.

سعیدیا مرد نگو نام نمیرد هرگز مرده آن است که نامش به نکویی نبرند در واقع پدر، سواد و تحصیلات خاصی نداشت. به مدرسه نرفته و خط ننوشته بود؛ اما نصایح، اندرزهای پدرانه، سخنان حکمت‌آمیز و عبرت‌آموز او بر اساس فطرت و طینت پاکش که از بیت پاک عصمت الهام گرفته بود و به زبان ساده، بی‌ریا و صادقانه بیان

می‌کرد و روشی که در آموزش و پرورش فرزندان خود به کار می‌برد با اقتدار، جدیت و تسلط همراه بود و در آن تردید نداشت و با شوق و اخلاص و عشق به خدا همراه بود.

معرفت و کمالات معنوی پدر، برای کسی که او را می‌شناخت و یا پای سخنان حکمت‌آمیز او می‌نشست، سخنانی که از ژرفای قلب پاکش جاری می‌شد کاملاً مشهود است و نیاز به هیچ توضیحی نیست. او هر چند از دانستنی‌های رسمی مدرسه بی‌بهره بود؛ ولی محفل بزرگان علم و معرفت چون مرحوم آیت اله حق شناس، شب زنده دار، آقای حاج اصفهانی و سید عبدالحسین آیت اللهی و... درک کرده بود. ایشان در نتیجه همین تجلیات غیر رسمی با مکتب اسلام آشنا شده بر اساس یافته‌های درونی به سوالات فرزندان خود پاسخ می‌داد همانطور که در حدیثی داریم:

قلب المؤمن برش از حق، قلب مومن عرش خداوند رحمن است

گفت پیامبر که خدا فرموده است: من نكنجم در دریا و پست
 در زمین آسمان عرش من است
 من نكنجم این یقین دان ای عزیز
 گر مرا جویی در آن دل‌ها طلب
 در دل مومن بگنجم ای خدایم
 از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «هر گاه مومنی از دنیا برود و چهل نفر از مومنان بر جنازه او حاضر شده و بگویند: اللَّهُمَّ إِنَّا لَنَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، بار خدایا ماجز خیر و خوبی چیزی از او نمی‌دانی، تو نسبت به او از ما داناتری. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید من شهادت و گواهی شما را بر خوبی او پذیرفتم و او را در مورد آن چه که خود می‌دانم و شما از آن بی‌خبرید عفو کرده و بخشیدم.»

در جای دیگر نیز امام صادق (ع) نقل شده است که فرموده است: «همی مومنی از دنیا نمی‌رود مگر با رضایت و خشنودی خودش، بدین گونه که در وقت مرگ، خداوند پرده از مقابل چشمانش برمی‌دارد تا جایگاه خود را در بهشت ببیند و آن جا را خداوند در آنجا برایش مهیا ساخته مشاهده کند، از طرف دیگر دنیا را با خوشی‌ها و مصائبش در نظر او آورد تا یکی از دو جایگاه را برگزیند، اما مومن آنچه را که در نزد خداوند عز و

جَل است، یعنی جایگاه بهشتی خود را انتخاب کرده است و می‌گوید دنیا با آن همه مصائب و گرفتاری‌هایش برای من هیچ بهره و فایده‌ای ندارد^۱».

لذا در روایات می‌خوانیم که جای شیعیان در بهشت، رو به روی خانه‌ی خاتم الانبیاء، حضرت محمد (ص)، یعنی در همسایگی خداوند قرار دارد و این بالاترین جای بهشت است اینجاست که امام صادق (ع) می‌فرماید: اَعْمَلُوا قَلِيلاً سَعَمُوا كَثِيراً، مدت کمی در این دنیا زحمت بکشید تا در ازای آن نعمت بزرگ خدا شامل حالتان شود. خالصانه، از خداوند رحمن و رحیم تمنا می‌کنم که پدر عزیز و فداکار را در کنار خود و بهترین در جای بهشت جای دهد. آمین یا رب العالمین.

ادخلوا به سلام آمنین

سلام بر همه شما که اکنون در دیار ملکوت مسکن اختیار کرده‌اید بر همه گویندگان لا اله الا الله سلامین، زمین و نیکنانی که با عزّت از این گیتی به خانه ابدی خود رفتند که ما نیز به ودیّه به آنجا می‌پیوندیم؛ اما ای کاش چون آنان لایق چنین وصلی باشیم و این چنین عزّت و باسعادت و خوشحال از این دنیای فانی برویم.

وعده دیدار نزدیک است یاران مژده باد روز وصلش می‌رسد ایام هجران می‌رود سلام به همه‌ی بندگان خالص و بی ریا خدا که از مآهدت، ایثار و کار و تلاش جهت آبادانی دنیای خدا هرگز خسته نشده‌اند تا به خدا رسیده‌اند.

سلام به همه‌ی انسان‌های والا، با عاطفه، مهربان، مددکار و ادعای زحمتکش که با زحمات شبانه‌روزی؛ شهر جهرم را شهری همیشه سبز، شهر اردر را از مرکبات، و شهر نخل‌های سر افراز ساختند و هیچ‌گاه خسته نشدند، بی‌رویی و بی‌اندیشی خالص خدا شدند به خدا رسیدند و خدایی شدند، این‌شاءالله که در آخرت به بهترین باغ‌های بهشتی روزی‌شان باشد.

چه خوش عمری که ما در سایه پدر سپری کردیم.

^۱ - وسایل باب ۳

ای خوش آن عمر که در خدمت استاد گذشت یاد آن مرشد دانای سخنگوی به خیر
 یاد باد آن که بیاموخت خود این یاد مرا کز دم همت او روح شد ارشاد مرا
 امید آن دارم که در ادای حق بزرگی که پدر، بر حقیر دارد از لطف و مدد خداوند،
 بهره ببرم و اثری شایسته و قابل را ارائه دهم.

روی آن دارم که همراهی کنی می‌توانی کرد اگر خواهی کنی
 ضمن آن‌ای همنشینی پدر رئوف و دلسوز با انبیاء و ائمه (ع) در جنت و بر خوان کرم
 حضرت دوست و با عرض ادب و احترام، تشکر و سپاس از عزیزانی که این مطالب را
 مطالعه می‌فرمایند تقاضای بخشش و اغماض از عیوب و نارسایی‌های آن، که به دلیل
 بضاعت و دانش اندک بنده حقیر می‌باشد دارم و لازم می‌دانم از شاعر برجسته و نامی
 و استاد گرانقدر آقای نبی‌اله عمادی که افتخار خوشه‌چینی از مکتب معرفت و
 بهره از دریای علم و ادب ایشان عیب برده‌ام و در تدوین این نوشته با بذل لطف و
 همکاری بی‌دریغ خود مرا یاری نمودند، و با مقدمه زیبا آن را مزین فرمودند، کمال
 تشکر و تقدیر داشته و عزت و بزرگواری و بلندی روان‌افزون از خداوند بزرگ برای‌شان خواهانم.
 همچنین از همسرم آقای عبدالحسین که در نوشتن حامی و مشوقم
 می‌باشند بی‌نهایت سپاس گزارم.

استاد اسحاق فراوان
 زاهد، عالم، بهرمی
 خرداد ۱۳۶۸